

کندوکاوی در آثار قشربندی جامعه بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانشجویان بر گرایش‌ها و رفتار آنان

* فاطمه جواهری

دانشگاه تربیت معلم

چکیده

مقاله حاضر با این هدف تنظیم شده که در مورد تأثیر ساختار جامعه بر نگرش‌ها، گرایش‌ها و عملکرد کنشگران اطلاعاتی را فراهم آورد. اطلاعات این مقاله بر اساس یک رویکرد اکتشافی و با تکیه بر روش تحلیل ثانوی ارائه شده است. به این منظور از یافته‌های «طرح سنجش گرایش‌ها، رفتار و آگاهی‌های دانشجویان دانشگاه‌های دولتی» استفاده شده است. براساس اطلاعات موجود در این طرح، رابطه میان پایگاه اجتماعی - اقتصادی به منزله یکی از مهم‌ترین وجوه ساختار جامعه با برخی از رفتارها و گرایش‌های دانشجویان مورد آزمون قرار گرفته است. اطلاعات به‌دست آمده حاکی از آن است که عضویت در پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالا، متوسط و پایین در اغلب موارد تأثیر معناداری در تفاوت گرایش‌ها و عملکرد کنشگران اجتماعی دارد. این امر، به این واقعیت اشاره دارد که نظام قشربندی جامعه ممکن است زمینه‌ساز شکل‌گیری خرده فرهنگ‌ها و هویت‌های اجتماعی متفاوت باشد. کلیدواژه‌ها: قشربندی اجتماعی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، گرایش.

The Study on Affecting Socio-Economic Status on University Students' Attitudes and Behaviors

Fatemeh Javaheri, Ph.D.

Assistant Professor, Department of Sociology

Faculty of Social Sciences and Economics, Teachers Training University

Abstract

This article based on an explanatory approach is aimed to provide new insights about the effects of society structure on attitudes and behaviors of social actors. To accomplish this aim, a secondary analysis of some data of the "Survey of Attitudes and Behaviors of State University Students" were made. The survey was conducted on a sample of 1522 male and female students in 2001. This writing examines the effect of socio-economic status as a prominent aspect of society structure on university students' attitudes and behaviors. The data indicates that belonging to different levels of socio-economic statuses have influential and significant impacts on students' attitudes, orientations and behaviors. This research indicates the fact that the social stratification system is able to form different subcultures and social identities.

Keywords: Social stratification, Socio-economic status, Attitude.

* دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه تربیت مدرس، استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی.

1- مقدمه¹

دستیابی به منابع ارزشمند و کمیابی مانند ثروت، قدرت، دانش و منزلت، افراد را در لایه‌های مختلف سلسله مراتب اجتماعی جای می‌دهد؛ و به این ترتیب جایگاه آن‌ها در جامعه یا به عبارت دیگر پایگاه اجتماعی - اقتصادی آنان را تعیین می‌کند. پایگاه اجتماعی - اقتصادی همانند یک قالب یا ظرف اجتماعی است که در چارچوب آن شیوه مواجهه افراد با محیط اجتماعی ساخته و پرداخته می‌شود.

تأثیر نظام قشربندی جامعه بر الگوهای فکری و رفتاری مردم، موضوع مهمی است که از سال‌ها پیش از جنبه‌های مختلف توجه جامعه‌شناسان کلاسیک (در رأس آن‌ها مارکس، وبر و پارتو) و جامعه‌شناسان معاصر (مانند دارندورف، لنسکی، پولانتزاس، رایت، پارکین و گیدنز) را به خود جلب نموده است.

جامعه‌شناسان تاکنون دریافته‌اند که تقریباً هر جنبه‌ای از زندگی ما انسان‌ها از جمله بهره‌هوشی، موفقیت تحصیلی، بعد خانوار، معیارهای تغذیه، عقاید سیاسی، بیماری‌هایی که از آن رنج می‌بریم و حتی نوع عادت‌های ما در روابط جنسی، با پایگاه ما در سلسله مراتب اجتماعی‌مان مرتبط است (رابرتسون 1372: 204).

به‌رغم اهمیت قشربندی جامعه و گستردگی نفوذ آن بر پدیده‌ها و امور اجتماعی مختلف، مطالعه اختصاصی آن چندان مورد توجه محققان ایرانی قرار نگرفته است. در اغلب پژوهش‌ها وضعیت طبقاتی یا پایگاه اجتماعی - اقتصادی به منزله یک متغیر زمینه‌ای یا مداخله‌کننده بررسی شده و به منزله یک متغیر مستقل و مجزا کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است.

این در حالی است که جست و جو در ساختار قشربندی جامعه ایران و پیامدهای حاصل از آن از جهات مختلف حایز اهمیت است و این قبیل تأملات می‌تواند برای جامعه‌شناسی ایران سرچشمه بصیرت‌های تازه‌ای باشد. در این حوزه پرسش‌های زیر قابل طرح است:

- آیا در جامعه ایران اندیشه‌ها، ارزش‌ها و رفتار افراد متعلق به پایگاه‌های اجتماعی - اقتصادی مختلف به‌طور معناداری با یکدیگر متفاوت است؟

- اگر وجود چنین تفاوتی تأیید می‌شود، این تفاوت‌ها در چه حوزه‌هایی بیشتر و در چه حوزه‌هایی کمتر است؟

1 - این تحقیق به سفارش دفتر مطالعات و تحقیقات معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سال 1380 توسط آقای دکتر سید حسین سراج‌زاده انجام شده است. نتایج این طرح توسط آن مرکز در دست انتشار می‌باشد.

- آیا تفاوت نگرش‌ها و جهت‌یابی اعضا وابسته به پایگاه‌های اجتماعی - اقتصادی مختلف براساس یک کنش هدفمند و مبتنی بر برنامه شکل می‌گیرد یا در بنیان خود فاقد یک آگاهی پیشین است؟

- آیا در ایران تفاوت‌های نگرشی، ارزشی و رفتاری معطوف به پایگاه‌های اجتماعی - اقتصادی به ترتیبی قابل صورت‌بندی است که براساس آن استنتاج یک الگوی نظری امکان‌پذیر باشد؟

- تفاوت در نگرش‌های فکری و گرایش‌های رفتاری مردمان وابسته به پایگاه‌های اجتماعی - اقتصادی مختلف در چه شرایطی ممکن است به آثار و پیامدهای آسیب‌زا منتهی شود؟

تلاش برای پاسخگویی به پرسش‌های یاد شده بینش جامعه‌شناسانه ما را درباره سازوکارهای قشربندی اجتماعی در جامعه ایران بهبود می‌بخشد.

مقاله حاضر با تکیه بر یک رویکرد اکتشافی تنها پاسخگویی به پرسش اول را وجه همت خود قرار می‌دهد. این نوشتار درصدد است روشن سازد که آیا پایگاه اجتماعی - اقتصادی موجب شکل‌گیری گرایش‌ها، ترجیحات و رفتارهای متفاوت می‌شود.

2 - چارچوب مفهومی

هرچند در آثار مربوط به قشربندی اجتماعی، اصطلاحات «طبقه» و «پایگاه» دو واژه کلیدی هستند؛ اما در مورد معنای دقیق آن‌ها توافق نظر روشنی وجود ندارد. به این دلیل، گاهی تمایز بین آن دو مفهوم دشوار می‌شود. در پاره‌ای موارد طبقه معادل مقام، منزلت، قدرت، ثروت، مایملک و درآمد تعریف شده است و در موارد دیگر، طبقه هرکس بر مبنای تصور خود او تعریف شده است. براساس رویکرد روانشناسی اجتماعی طبقه آن چیزی است که فرد می‌پذیرد که او را با عده‌ای از مردم در موقعیتی مشابه قرار می‌دهد و از عده‌ای دیگر متمایز می‌سازد (آرگیل 1994: 3). همچنین گفته شده که طبقه اجتماعی به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که در سازمان تولید عملکرد خاصی به عهده دارند و با توجه به موقعیتی که در نظام اجتماعی دارند از یکدیگر متمایز می‌شوند (اباذری و چاوشیان 1381: 7).

مرور آثار مربوط، حاکی از آن است که طبقه بیشتر معنای اقتصادی دارد و اغلب دارای بار ایدئولوژیک و سیاسی است (انصاری 1378: 4). نظریه‌پردازان کلاسیک مانند مارکس، در

تعیین قشربندی جامعه بیشتر به عامل اقتصادی یعنی وضعیت فرد در ساختار تولید توجه داشته‌اند؛ اما اندیشمندان معاصر به تدریج متوجه نقش عوامل دیگر شده‌اند. برای مثال دارندورف در تمایز سطوح مختلف قشربندی جامعه به برخورداری‌های متفاوت از قدرت و اقتدار سیاسی، وبر به بهره‌مندی‌های متفاوت از منزلت اجتماعی، بوردیو به نوع مصرف و سبک زندگی و گیدنز به آموزش و مهارت‌های اجتماعی تأکید نمودند (مراجعه شود به: باتامور 1367، کمالی 1379، لیپست و دیگران 1381، گرب 1381 همچنین بورگاتا و موتگومری 2000: 2819). تحول یاد شده به معنای اذعان به این واقعیت است که قشربندی جامعه تحت تأثیر عوامل متعدد، پیچیده و بهم آمیخته شکل می‌گیرد.

به این جهت در این نوشتار از اصطلاح پایگاه اجتماعی - اقتصادی (Socio-Economic Status) استفاده می‌شود، با این فرض که واژه پایگاه از انعطاف مفهومی بیشتری برخوردار است و غیر از بعد اقتصادی (درآمد و ثروت) بعد فرهنگی (تحصیلات) و بعد اجتماعی (منزلت شغلی) را نیز در بر می‌گیرد. امروزه طیف وسیعی از پژوهشگران هنگام مطالعه نظام قشربندی از اصطلاح پایگاه اجتماعی - اقتصادی استفاده می‌کنند (هیبلر 1969: 132).

با این وجود، در مورد معادل‌سازی اصطلاح (Socio-Economic Status) نیز توافق کافی وجود ندارد؛ زیرا در برخی منابع، کلمه (status) معادل «منزلت» یا «رتبه» تلقی شده است (لیپست و دیگران 1381: 96). چلبی از جمله افرادی است که پایگاه را تقریباً معادل رتبه اجتماعی دانسته و معتقد است موضع اجتماعی فرد تحت تأثیر سرمایه مادی (میزان دسترسی به سرمایه مادی)، سرمایه سازمانی (میزان دسترسی به قدرت سازمانی)، منزلت (میزان دسترسی به تعهدات اجتماعی) و سرمایه فرهنگی (میزان دسترسی به منابع معرفتی) ساخته می‌شود (چلبی 1385: 207).

در این مورد که پایگاه اجتماعی - اقتصادی چگونه بر گرایش‌ها و رفتار اشغال‌کنندگان خود تأثیر می‌گذارد، آراء متفاوتی وجود دارد؛ اما لازم است ابتدا در مورد مفهوم گرایش توضیح داده شود.

گرایش (Attitude) که گاهی نیز به نگرش ترجمه شده، مجموعه ارزیابی‌هایی است که به طرز پیچیده به باورها، احساسات و رفتار آدمی مربوط است. در واقع گرایش به معنای ارزیابی پدیده‌ها است و پدیده‌ها در بردارنده هرچیز از جمله مردم، اعمال، رویدادها، شهرها، سیاست‌ها و خوردنی‌ها است. گرایش‌ها دارای چندین کارکرد اساسی هستند:

- اول آن که براساس داشتن گرایش‌های مشترک یک گروه اجتماعی تعیین و تعریف می‌شود،
- دوم آن که گرایش در شکل‌گیری هویت افراد نقش دارد،
- سوم آن که گرایش راهنمای اندیشه و رفتار است (سایینی 1992: 528).
- در مورد این که عضویت در پایگاه‌های اجتماعی - اقتصادی مختلف چگونه بر گرایش و رفتار افراد تأثیر می‌گذارد، می‌توان به عناصر زیر اشاره کرد:
- عوامل ژنتیکی: تفاوت الگوهای رفتاری و فکری مردم در پایگاه‌های مختلف به خاطر بنیان‌های ژنتیکی متفاوت آن‌ها است و به این دلیل میزان تندرستی و هوش آن‌ها با یکدیگر متفاوت است.
- فرایند جامعه‌پذیری: نحوه تربیت اجتماعی، نظام اقتدار و نظارت، میل به پیشرفت یا رفتار پرخاشگرانه از جمله مواردی است که با تفاوت‌های شخصیتی افراد در پایگاه‌های مختلف مرتبط است.
- تجربیات حاصل از کار: مشاغل مختلف به واسطه اختلاف در مهارت طلب بودن، استقلال و فشار روانی سطوح متفاوتی از حرمت نفس و رضامندی را برای صاحبان خود فراهم می‌آورند.
- سبک زندگی: مردم در پایگاه‌ها و طبقات مختلف از نظر نوع لباس پوشیدن، گذران اوقات فراغت، الگوهای تندرستی و بهداشت، ورزش، رژیم‌های غذایی، استفاده از سیگار و مشروبات الکلی، با یکدیگر فرق می‌کند.
- آثار روانی تجربه نابرابری: برخی تفاوت‌ها در پایگاه‌های مختلف ناشی از تفاوت در تجربه احساس محرومیت و بی‌عدالتی است. به این جهت اغلب میزان جرم در طبقه پایین بیش از طبقات دیگر است و به همین دلیل گرایش‌های سیاسی چپ همراه با پرخاشگری و گرایش‌های انقلابی بین افراد بیکار، اقلیت‌های قومی و نژادی و کارگران یدی و افراد عضو اتحادیه‌ها بیشتر رواج دارد (آرگیل 1994: 291). البته بدیهی است عوامل یاد شده در شرایط واقعی در تعامل با یکدیگر عمل می‌کنند و مجموعه آن‌ها زمینه‌ساز ارزیابی فرد از پدیده‌هایی است که با آن سروکار دارد.
- برخی اندیشمندان از منظری دیگر به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. آن‌ها معتقد هستند عضویت در پایگاه اجتماعی - اقتصادی تعیین‌کننده دو عامل مهم یعنی فرصت‌های زندگی

(Life chances) و شیوه زندگی (Life style) است. شیوه زندگی همان نحوه اندیشیدن درباره دنیای اجتماعی است که شامل سوی گیری کلی نسبت به موضوعات انسانی بنیادی، اهداف، ارزش‌ها، سازمان‌دهی اجتماعی و نحوه ابراز و بیان هر یک از آن‌ها است. از نظر ماکس وبر شیوه زندگی کمتر به محتوای منابع مادی مربوط است، بلکه بیشتر متوجه معانی ضمنی، شکل و شیوه اظهار آن‌ها است. فرصت‌های زندگی شامل تمام امکانات و تمهیداتی است که در کل چرخه زندگی فرد وجود دارد و شامل امکان زنده ماندن در سال‌های آغازین زندگی، فرصت تحصیل در مقاطع ابتدایی، به پایان رساندن مقطع دبیرستان، ورود به دانشگاه و امکان زندگی تا مقطع پیری است (هیلر 1969: 249).

خرده فرهنگ‌ها، مجموعه سازمان یافته‌ای از پاسخ‌های مرتبط هستند که بر اساس کوشش مردم برای انطباق پیدا کردن با فرصت‌ها، محرک‌ها، پاداش‌ها، محرومیت‌ها و فشارهایی که از سوی محیط طبیعی یا جامعه به آن‌ها عرضه می‌شود، به وجود آمده‌اند. مجموعه این واکنش‌ها خرده فرهنگ را به وجود آورده که شامل تمام پاسخ‌ها، مهارت‌ها و گرایش‌های متعارفی است که مردم از زمان کودکی از والدین خود فرا گرفته‌اند و راه‌های تازه‌ای است که افراد برای مواجهه با فرصت‌ها و محرومیت‌های خود ابداع می‌کنند. بر پایه هریک از خرده فرهنگ‌ها به تدریج زندگی مردم با میزان دسترسی آن‌ها به کیفیت‌های خاص و میزان‌های متفاوت درآمد، تحصیلات و فرصت‌های شغلی جور می‌شود (همان: 272). نظرهای یاد شده بر این واقعیت دلالت دارد که میزان و نوع دستیابی به منابع ارزشمند و کمیاب به واسطه فرصت‌هایی که برای افراد ایجاد می‌کند و به واسطه درگیر ساختن اشخاص در مجموعه‌ای از مناسبات اجتماعی خاص جهت‌یابی‌های فکری و سوی‌گیری‌های رفتاری آن‌ها را از یکدیگر متمایز می‌سازد.

3 - سوابق تجربی و پژوهشی

برخی از محققان در مورد پیامدهای عضویت در یک پایگاه اقتصادی - اجتماعی مطالعاتی انجام داده‌اند که در زیر به گزیده‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود:

دستاورد‌های برخی تحقیقات بیانگر آن است که روانشناسی افراد در رده‌های مختلف جامعه متفاوت است. هم و غم اعضای وابسته به رده‌های پایین یافتن شیوه‌ای از زندگی است که بتواند احساس ناامنی آن‌ها را تخفیف دهد، توانایی آن‌ها را در شیوه‌های مستقل موفقیت

(مثلاً شغل) افزایش دهد و چشم‌اندازهای پیشرفته‌ای را برای آنان فراهم آورد. نتایج کار هیمن نشان می‌دهد که طبقات بالا با اطمینان بیشتری از سایر طبقات معتقد هستند که هر مرد جوان کاردان و جاه‌طلب می‌تواند راه خود را در زندگی بیابد و بیش از طبقات پایین به آینده، به کارایی وجدان شغلی و به پشتکار در کسب موفقیت شغلی اعتقاد دارند (تامین 1379: 114). ظرفیت خطرپذیری در طبقات پایین کمتر از طبقات متوسط است و برای آن‌ها امنیت خاطر، مقدم بر موفقیت و ارتقای موفقیت است. احساس ناتوانی، ضعف و بی‌اعتمادی در طبقه پایین شدیدتر است، آن‌ها دنیا را خصمانه‌تر احساس می‌کنند، در ابراز احساسات خود صریح‌تر هستند و کمتر ملاحظات محافظه‌کارانه دارند (همان: 133).

یافته‌های تحقیقات دیگر بیانگر آن است که طبقه متوسط در مقایسه با طبقات پایین در فرایند رشد کودک، آزادی عمل بیشتری به او می‌دهند و محیط آسان‌گیرتری را برای او به وجود می‌آورند، کسانی که در طبقه بالا عضویت دارند بیشتر به سلامتی خود توجه دارند، بنابراین بیشتر عمر می‌کنند و در مقایسه با طبقات دیگر نرخ باروری آن‌ها کمتر است، در طبقه متوسط و رو به پایین به خاطر احساس محرومیت نسبی بروز اختلال‌های روان تنی بیش از طبقات دیگر است، طبقات پایین بیشتر اهل مطالعه هستند و ادبیات مهم‌تری را می‌خوانند و به وقایع اطراف خود بیشتر توجه دارند. با این وجود یافته‌های به دست آمده از تحقیقات دیگر مخاطب را در یک وضعیت دو پهلو قرار می‌دهد و تأییدپذیری نتایج به دست آمده و اتخاذ یک نتیجه‌گیری نهایی را دشوار می‌سازد (نقل از ریزمن و انگویتا 1383: 208 - 207).

در مورد تأثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی بر عملکرد تحصیلی نیز تحلیل‌های متفاوتی به عمل آمده است. برخی اندیشمندان در این زمینه به تفسیرهای زیستی و ژنتیکی متوسل شده و معتقد هستند فقر اقتصادی با فقر ذاتی بنیادی در هوش و استعداد رابطه دارد. بنابراین زمانی که بهره‌مندی اعضاء رده پایین جامعه از نظر هوش و استعداد اندک باشد دستاوردهای تحصیلی آنان نیز ضعیف خواهد بود. عده‌ای دیگر بیشتر به نقش والدین توجه دارند. به این معنا که معتقد هستند والدین در رده‌های پایین جامعه کمتر در شبکه‌های اجتماعی متعدد عضویت دارند و در محیط خانه در مورد موضوعات مختلف کمتر به بحث و گفت و گو می‌پردازند. بنابراین به گفته بوردیو سرمایه فرهنگی یعنی استانداردهای سخن گفتن، اطلاعات، عادات، رویه‌ها و مهارت‌های فرهنگی آن‌ها نسبت به طبقات متوسط و بالا ضعیف‌تر است. از طرف دیگر احساس محرومیت و تبعیض برتصوری که فرد از قابلیت‌ها و

توانایی‌های خویش دارد تأثیر منفی می‌گذارد و در نهایت اعتماد به نفس و میل به پیشرفت را سرکوب می‌کند. محدودیت در دستیابی به منابع مادی، ساعات زیاد کار والدین، طلاق، ترک خانه، مهاجرت‌های شغلی و پایین بودن سطح سواد باعث می‌شود والدین نتوانند زمان کافی را صرف وضعیت تحصیلی فرزندان کنند. استانداردهای آموزشی مدارس که افراد متعلق به پایگاه پایین در آن به تحصیل می‌پردازند، ضعیف‌تر از مدارس دیگر است. والدین ثروتمند نه تنها فرزندان خود را در مدارس با معیارهای بالاتر ثبت‌نام می‌کنند و به این ترتیب شانس آن‌ها را برای ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر و یافتن شغل مناسب افزایش می‌دهند بلکه از قدرت و نفوذشان در جهت تصویب قوانینی استفاده می‌کنند که در جهت تثبیت منافع آن‌ها می‌باشد (بیدل 2001: 17-6). بنابراین، می‌توان گفت خرده فرهنگ فقر، دسترسی ناکافی به منابع و ضعیف بودن نظام آموزشی باعث می‌شود که در اغلب موارد عملکرد تحصیلی افراد در پایگاه‌های مختلف از یکدیگر متفاوت باشد.

برخی اطلاعات موجود نشان می‌دهد که سوی‌گیری سیاسی افراد در پایگاه‌های مختلف، متفاوت است. براساس برخی یافته‌ها افراد تحصیل کرده‌تر گرایش بیشتری به مشارکت در فعالیت‌های سیاسی دارند. در آمریکا میزان رأی دادن افرادی که در مدارج علمی بالا هستند 40 درصد بیش از آن‌ها است که (5 سال) کمتر درس خوانده‌اند. در انگلستان، طبقه متوسط بیشتر در اعتصاب‌ها، تحریم‌ها و تظاهرات شرکت می‌کنند. طبقه کارگر اغلب به سیاست بی‌اعتماد هستند و بیشتر به احزاب وابسته به جناح چپ که طرفدار توزیع عادلانه درآمد و ضرورت دخالت دولت در تأمین نیازهای آغازین هستند، رأی می‌دهند. با وجود این، موارد انحراف از این الگو نیز مشاهده شده است. به طوری که طبقه کارگر به احزاب محافظه کار و طبقه متوسط به احزاب چپ رأی داده‌اند. احتمال دارد این انحراف به خاطر نفوذی باشد که افراد متعلق به طبقات مختلف بر رأی و نظر یکدیگر دارند (آرگیل 1994: 217).

هاناسلوین و وارن او هاگسترام در مطالعه‌ای با 900 دانشجوی مقیم کوی دانشگاه برکلی، به بررسی رابطه میان گرایش‌های سیاسی دانشجویان و پایگاه پدران آن‌ها متوجه شدند افرادی که والدین‌شان کارگر بودند بیشتر دارای ایستارهای آزادمشانه بودند. اما این تفاوت از سال دوم دانشگاه کاهش می‌یابد و به تدریج همه دانشجویان ایستاری آزادمشانه‌تر پیدا می‌کنند. این پیشرفت به سوی همانندی نسبی را می‌توان نتیجه غلبه یگانگی پایگاه دانشجویی بر چندگانگی پایگاه پیش از دانشگاه دانست (تامین 1379: 126).

همچنین برخی دستاوردهای پژوهشی بر این واقعیت دلالت دارد که بعضی از جنبه‌های دینداری در پایگاه‌های مختلف متفاوت است. چنانچه منظور از دینداری، انجام فرایض دینی باشد در این صورت گروه‌های کمتر تحصیل کرده در مقایسه با گروه‌های بیشتر تحصیل کرده دارای گرایش دینی قوی‌تری هستند اما اگر میزان مشارکت اشخاص با آیین‌های مذهبی معیار دینداری باشد، نتیجه معکوس می‌گردد و گروه‌های تحصیل کرده‌تر، دیندارتر هستند. بهرحال در مورد نسبت افرادی که گمان می‌کنند دعا منشأ اثر می‌باشد هیچ مدل طبقاتی نمی‌توان استنتاج نمود (همان: 122).

از نظر گرایش به رفتارهای مدنی نیز تفاوت‌هایی مشاهده شده است. چارلز رایت و هربرت هیمان در سال 1985 مدل‌های عضویت در انجمن‌ها را بر اساس پایگاه‌های مختلف بررسی کردند. نتیجه کار آن‌ها نشان داد میزان پیوستن افراد به انجمن‌های اختیاری در میان دارندگان پایگاه اجتماعی بالا به نحو محسوسی بیش از پایگاه پایین است (همان: 117).

از جمله معرف‌های رفتار مدنی می‌توان به تفاوت افراد از جهت میزان مدارای فکری و اجتماعی اشاره نمود. نتایج پژوهش لیپست در آلمان نشان می‌دهد که پایگاه شغلی بالاتر با مدارای فکری بیشتر متناظر است، اما میزان مدارا اغلب بیش از شغل با افزایش سطح تحصیلات بالا می‌رود. لیپست بر اساس تحلیل عوامل تعیین کننده میزان مشارکت در انتخابات دریافت که اشخاصی که درآمدی بالا و تحصیلات عالی دارند از نظر سنی بالاتر از حد متوسط، متأهل، سفیدپوست و عضو یک انجمن داوطلبانه هستند، در انتخابات نیز دارای بالاترین میزان مشارکت هستند (همان: 127).

هرچند دستاوردهای پژوهشی یاد شده به وجود برخی تفاوت‌ها در بین اعضاء پایگاه‌های مختلف دلالت دارد؛ با این حال، به ادعان اندیشمندان این حوزه، این تفاوت‌ها به اندازه‌ای نیست که بتواند مبنای یک نظریه‌پردازی دقیق و نظام‌مند باشد (ریزمن و انگویتا 1383: 175).

4 - روش‌شناسی

نوع تحقیق: مقاله حاضر با روش تحلیل ثانوی تنظیم شده است. در روش تحلیل ثانوی، محقق از اطلاعاتی استفاده می‌کند که پیش از این در پژوهشی دیگر گردآوری شده است (باگتی و مونتگمری 2000: 327). اطلاعات این نوشتار برگرفته از یافته‌های طرح «سنجش گرایش‌ها، رفتار و آگاهی‌های دانشجویان دانشگاه‌های دولتی» است. مطالعه یاد شده براساس

یک نمونه 1522 نفره از دانشجویان دختر و پسر در نیمسال اول سال تحصیلی 81 - 1380 در 20 دانشگاه تحت پوشش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به دست آمده است. در این تحقیق، روش نمونه برداری از نوع روش خوشه‌ای دو مرحله‌ای بوده است. دانشگاه‌های نمونه تحقیق در تهران شامل دانشگاه تهران، شهید بهشتی، امیرکبیر، صنعتی شریف، الزهراء، علم و صنعت، تربیت معلم می‌شود و در شهرستان‌ها شامل دانشگاه اراک، اردبیل، ارومیه، صنعتی اصفهان، اهواز، تربیت معلم تبریز، رشت، زاهدان، شیراز، کرمان، کرمانشاه، مشهد، همدان می‌شود. تعداد پاسخگویان در هر دانشگاه متناسب با تعداد دانشجویان آن دانشگاه و در نظر گرفتن نسبت آن در کل نمونه تحقیق، انتخاب شده است. افراد مورد نظر به روش تصادفی ساده برگزیده شده‌اند. از مجموع اطلاعات متنوع موجود در پرسشنامه، تحقیق برخی از آن‌ها که بیشتر بازنمای رفتار و گرایش‌های دانشجویان است در چند قسمت آموزشی، فرهنگی - اجتماعی، سیاسی و اقتصادی گزینش شده و رابطه آن‌ها از جهت آماری با پایگاه اجتماعی - اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. تحلیل‌های ارائه شده در این مقاله به دلایل زیر بر اساس یک رویکرد اکتشافی و نه تبیینی تدوین شده است:

- عدم انطباق میان اطلاعات موجود در پرسشنامه تحقیق و مباحث نظری: پس از بررسی آغازین مشخص شد که در بعضی موارد اطلاعات جالبی در پرسشنامه تحقیق وجود دارد؛ اما برای تبیین رابطه آن با پایگاه نظریه روشنی موجود نیست. به همین ترتیب گاهی برخی تأملات نظری مناسب وجود دارد؛ اما در پرسشنامه تحقیق اطلاعات هماهنگ با آن از قبل پیش‌بینی نشده است.

- عدم قطعیت در نقش متمایز کننده پایگاه‌های مختلف: مروری بر منابع مربوط نشان‌دهنده آن است که هرچند در زمینه تأثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی به نکات قابل ملاحظه‌ای اشاره شده اما شواهد خلاف آن هم وجود دارد. از این‌رو، یافتن یک نظریه جامع و روشن که تبیین کننده تفاوت گرایش‌ها و رفتار اعضاء وابسته به پایگاه‌های مختلف باشد، دشوار است.

با توجه به شرایط یاد شده، اتخاذ یک موضع تبیینی که بر اساس آن بتوان فرضیاتی را برای تبیین تفاوت گرایش‌ها و رفتار اعضای پایگاه‌های مختلف طراحی نمود و به آزمون آن پرداخت، میسر نیست. از این‌رو نگارنده درصدد است در قالب یک طرح اکتشافی تفاوت نگرش‌ها، ترجیحات و رفتار افراد در پایگاه‌های اجتماعی - اقتصادی مختلف را تشریح نماید.

تعریف متغیرها و نحوه سنجش آن

متغیر مستقل: همان طور که عنوان مقاله نشان می‌دهد متغیر مستقل این تحقیق «پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده» است. از آنجا که اکثر پاسخگویان این تحقیق مجرد بودند، بنابراین پایگاه آنان بر اساس وضعیت رئیس خانواده آن‌ها (پدر یا همسر) ساخته شده است. شاخص پایگاه اجتماعی - اقتصادی از ترکیب 3 متغیر تحصیلات، درآمد و منزلت شغلی رئیس خانواده به دست آمده است. تحصیلات شامل میزان سال‌های تحصیل رسمی است که از بی‌سواد تا دکترا در 7 طبقه تقسیم‌بندی شده است. درآمد رئیس خانواده در 7 طبقه دسته‌بندی شده است. منظور از رتبه شغلی میزان حیثیت و منزلتی است که مردم بر اساس اهمیت کارکردی یک شغل خاص به آن می‌دهند. برای تعیین رتبه شغلی دو روش سازگار با یکدیگر وجود دارد. در روش نخست شغل‌ها طبق داورى شخص طبقه‌بندی کننده به تعدادی از گروه‌های شغلی محدود طبقه‌بندی می‌شود و پس از آن به صورت سلسله مراتبی رده‌بندی می‌شود. در روش دوم بر اساس داورى‌های یک گروه از افراد برای تعدادی از مشاغل امتیاز پرستیژ تعیین می‌شود و سپس مشاغل طبق امتیازشان درجه‌بندی می‌شوند (ریزن و انگویتا 1383: 139). در پژوهش حاضر برای رتبه‌بندی مشاغل از الگوی پورکاظمی که است، روش دوم می‌باشد استفاده شده و بر آن اساس منزلت کلیه شغل‌ها در 7 گروه جداگانه تقسیم‌بندی شده است.²

در نهایت پس از محاسبه ضریب آلفا کرونباخ (0/80) جمع نمره‌های سه متغیر درآمد، تحصیلات و منزلت شغلی (نمره 21 - 3) به دست آمد. در این شاخص بالاترین نمره نشانه بیشترین بهره‌مندی از درآمد، منزلت شغلی و تحصیلات است. در مرحله بعد این شاخص با

2 - کاظمی‌پور در تحقیق خود از پاسخگویان خواسته تا نظر خود را درباره منزلت برخی از مشاغل با پنج گزینه منزلت عالی تا خیلی ضعیف مشخص سازند. سپس میانگین عددی آن‌ها محاسبه و به عنوان نمره منزلت در نظر گرفته شده است. به این ترتیب مشاغل به 7 گروه منزلتی به شرح زیر تقسیم شده‌اند. گروه اول (مشاغل بالای 90 امتیاز) مانند پزشک، استاد دانشگاه، استاندار، قاضی و خلبان، گروه دوم (مشاغل 80 - 90 امتیاز) مانند مدیرکل، کارخانه داربزرگ، نماینده مجلس، فرماندار، شهردار، وکیل، افسر، تاجر بازار و جواهر فروش، گروه سوم (مشاغل 70 - 80 امتیاز) مانند مهندس، روزنامه‌نگار، هنرمند، دبیر و هتلدار، گروه چهارم (مشاغل 60 - 70 امتیاز) مانند تکنسین، معلم دبستان، کتاب فروش، سرکارگر و مقاطع کار گروه پنجم (مشاغل 50 - 60 امتیاز) مانند مکانیک، درجه‌دار، تراشکار، کارمند دارای تحصیلات کارشناسی و خواربار فروش، گروه ششم (مشاغل 40 - 50 امتیاز) مانند راننده، ماشین‌نویس، بنا، کفاش و کارگر کارخانه و گروه هفتم (مشاغل کمتر از 40) مانند چوپان، واکسی، رفتگر، عمله و پیشخدمت اداره را شامل می‌شود. پس از تقسیم، متناسب با نوع مشاغلی که در هر رده قرار گرفت، به سایر مشاغلی که به لحاظ فعالیت و سطح مشابه بودند، نمره‌ای در همان حدود اختصاص داده شد (نقل از رجبزاده 1380: 17).

حفظ شکل آغازین به سه گروه پایگاه پایین (نمره 8 - 3)، متوسط (نمره 15 - 9) و بالا (نمره 21 - 16) طبقه‌بندی شد. در محاسبات بعدی متناسب با شرایط مختلف از شاخص پایگاه اقتصادی - اجتماعی در هر دو سطح فاصله‌ای و ترتیبی استفاده شده است.³

متغیرهای وابسته: متغیرهای وابسته یعنی گرایش‌ها و رفتار دانشجویان در چند حوزه زیر مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

- وضعیت تحصیلی: معدل کتبی دبیرستان، نوع دیپلم، رتبه در کنکور، سهمیه و منطقه پذیرفته شده در دانشگاه، دفعات شرکت در کنکور، رشته تحصیلی در دانشگاه، معدل آخرین ترم تحصیلی در دانشگاه، تمایل به ادامه تحصیل، محل مطلوب ادامه تحصیل.

- گرایش‌های اجتماعی - فرهنگی: معیارهای انتخاب همسر، برابری طلبی جنسیتی (شامل 13 گویه با آلفای 0/83)، هویت ملی، دینداری (متشکل از 18 گویه با آلفای 0/87).

- گرایش‌های اقتصادی: پیش‌بینی وضعیت بیکاری، تورم اقتصادی و رشد صنعت در آینده کشور، آگاهی از تأثیر شکاف طبقاتی، نگرش نسبت به نابرابری و فقر، امید به آینده اقتصادی کشور.

- گرایش‌های سیاسی: شاخص نابسامانی اجتماعی (5 گویه با آلفای 0/72)، شاخص ارزیابی از عملکرد نهادهای حکومتی (16 گویه با آلفای 0/80)، شرکت در مراسم سیاسی، شاخص مدارای فکری با مخالفان (12 گویه با آلفای 0/87)، شاخص آینده سیاسی کشور (6 گویه با آلفای 0/85).

5 - یافته‌های تحقیق

5 - 1 توصیف متغیرها

به‌طور کلی 43 درصد از دانشجویان نمونه تحقیق زن و 57 درصد مرد هستند. 64 درصد پاسخگویان دارای قومیت فارس و 36 درصد از آن‌ها دارای قومیت‌های دیگر (به ترتیب ترک، کرد، لر، عرب، بلوچ، و ترکمن) بوده‌اند. از نظر محل سکونت 20 درصد پاسخگویان ساکن تهران، 36 درصد ساکن مراکز استان‌ها (و یا سایر شهرهای اصلی و توسعه یافته) و 44 درصد ساکن شهرهای کوچک و کمتر توسعه یافته بوده‌اند.

3 - الگوی طبقه‌بندی رتبه شغلی کاظمی‌پور، با الگوی نائبی در خصوص اندازه‌گیری منزلت شغلی در ایران همخوان است (مراجعه شود به نائبی و چاووشیان 1381).

همان‌طور که پیش از این اشاره شد پایگاه پاسخگویان براساس تحصیلات، درآمد و منزلت شغلی سرپرست خانواده آن‌ها اندازه‌گیری شده است. 13 درصد از پدران بی‌سواد، 34 درصد زیردیپلم، 21 درصد در سطح دیپلم و 30 درصد دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. میانگین درآمد پدر پاسخگویان حدود 200 هزار تومان و میانگین هزینه‌های خانواده پدری 173 هزار تومان است. از نظر منزلت شغلی فقط 21 درصد از پاسخگویان پدران‌شان از منزلت‌های شغلی بالا برخوردارند. اما 10/6 درصد از پاسخگویان پدران‌شان در گروه متوسط قرار دارند. در مقابل حدود 60 درصد از پدران دارای مشاغلی با منزلت‌های نسبتاً پایین بوده‌اند. جدول شماره 1 شاخص کل پایگاه اجتماعی - اقتصادی پاسخگویان را گزارش می‌دهد.

جدول 1 - شاخص پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده
(تعداد = 1522)

طبقات	تعداد	درصد معتبر
پایگاه پایین	384	34/0
پایگاه متوسط	604	53/5
پایگاه بالا	141	12/5
بدون پاسخ ⁴	393	-

همان‌طور که در جدول شماره 2 ملاحظه می‌شود 53 درصد از پاسخگویان دارای خانواده‌هایی با پایگاه اجتماعی - اقتصادی در سطح متوسط، 34 درصد دارای خانواده‌هایی با پایگاه پایین و فقط 13 درصد از آن‌ها دارای خانواده‌هایی با پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالا هستند. بنابراین بخش قابل توجهی از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی از نظر سوابق خانوادگی در سطح متوسط و پایین قرار دارند.

5-2. رابطه پایگاه اجتماعی - اقتصادی با گرایش‌ها و رفتار

رابطه پایگاه با عملکرد آموزشی پاسخگویان

در دنیای امروز آموزش یک دارایی و سرمایه محسوب می‌شود که در ارتقاء اجتماعی افراد سهم به سزایی دارد. عملکرد تحصیلی فرد در مدرسه نه تنها تعیین‌کننده وضعیت او در مراحل بالاتر

4 - وجود 393 مورد بی‌پاسخ در جدول 2 به این دلیل است که براساس قرارداد برنامه SPSS هنگام ترکیب چند متغیر اگر اطلاعات لازم برای یک پاسخگو به‌طور کامل وجود نداشته باشد، سایر اطلاعات آن پاسخگو به‌طور کلی از محاسبه بیرون گذاشته می‌شود.

تحصیلی است، بلکه بر تعیین وضعیت اشتغال او نیز نقش مهمی دارد. در جدول شماره 2 رابطه پایگاه اجتماعی - اقتصادی با وضعیت تحصیلی پاسخگویان در سه مرحله قبل از ورود به دانشگاه، هنگام ورود به دانشگاه و نگرش فرد نسبت به شرایط آتی تحصیلی تکمیلی گزارش می‌شود.

وضعیت تحصیل قبل از ورود به دانشگاه: یافته‌های بر این واقعیت دلالت دارد که بین عملکرد تحصیلی دانشجویان در مقطع متوسطه (معدل دیپلم) و پایگاه اجتماعی - اقتصادی آن‌ها همبستگی وجود دارد. حدود 63 درصد از پاسخگویان وابسته به پایگاه پایین معدل دیپلم‌شان حدود 10 - 13 است در حالی که این نسبت در بین پاسخگویان متعلق به پایگاه بالا 24 درصد است. از طرف دیگر بین پایگاه و نوع دیپلم هم رابطه‌ای معنادار وجود دارد. به این ترتیب که در پایگاه بالا نسبت دانشجویان دارای دیپلم ریاضی و تجربی بیش از دانشجویان علوم انسانی است و در پایگاه پایین نسبت دانشجویان دارای دیپلم انسانی بیش از دیپلم ریاضی و تجربی است.

جدول 2 - رابطه پایگاه با وضعیت تحصیلی (تعداد = 1522)

ضریب همبستگی	وضعیت تحصیلی پاسخگویان	
$r = 0/339^{***}$	معدل کتبی دبیرستان	قبل از ورود به دانشگاه
$V = 0/244^{***}$	نوع دیپلم (علوم انسانی، ریاضی، تجربی، فنی حرفه‌ای)	
$r = - 0/249^{***}$	سه‌میه و منطقه (منطقه 1، 2، 3 و شاهد / رزمنده)	هنگام ورود به دانشگاه
$r = 0/018$	رتبه در کنکور	
$r = -0/174^{***}$	دفعات شرکت در کنکور	
$V = 0/211^{***}$	رشته تحصیلی در دانشگاه (فنی مهندسی، علوم انسانی، علوم پایه و کشاورزی)	ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر
$r = -0/001$	معدل آخرین ترم تحصیلی در دانشگاه	
$V = 0/041$	تمایل به ادامه تحصیل (بله، نمی‌دانم، خیر)	
$V = 0/101^{***}$	محل مطلوب ادامه تحصیل (ایران، نمی‌دانم، خارج از کشور)	

*** $p < 0/001$

وضعیت تحصیل هنگام ورود به دانشگاه: اطلاعات این قسمت رابطه میان پایگاه خانواده و استفاده از نوع سهمیه را تأیید می‌کند. توزیع ارقام نشان می‌دهد که حدود 57 درصد از پاسخگویانی که دارای پایگاه بالا هستند در منطقه 1 قرار دارند در حالی که نسبت پاسخگویان پایگاه پایین در منطقه 1 به مراتب کمتر یعنی 17 درصد است. اما رابطه میان پایگاه و رتبه قبولی در کنکور تأیید نمی‌شود. شاید این امر به این دلیل است که رقابت برای ورود به دانشگاه دولتی تقریباً به یک اندازه همه داوطلبان را وادار به تلاش می‌کند. به این جهت ممکن است دانشجوی متعلق به پایگاه پایین نیز با تجهیز کردن تمام منابعی که در اختیار دارد، وارد این عرصه شود و بتواند به کسب رتبه‌ای قابل ملاحظه نایل شود.

اما پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد با دفعات شرکت در کنکور رابطه‌ای معکوس دارد. به این معنا که دانشجویان متعلق به پایگاه پایین به دفعات بیشتر برای ورود به دانشگاه اقدام کرده‌اند، در حالی که دانشجویان متعلق به پایگاه بالا در ظاهر زودتر توانسته‌اند، سد ورود به دانشگاه را پشت سر بگذارند. بنابراین می‌توان گفت پایگاه با عملکرد تحصیلی بی‌ارتباط نیست.

اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد پایگاه خانواده نه تنها با انتخاب رشته تحصیلی در دبیرستان، بلکه با انتخاب رشته تحصیلی در دانشگاه نیز رابطه دارد. حدود 52 درصد از پاسخگویان رشته‌های علوم انسانی - اجتماعی دارای پایگاه پایین هستند. در حالی که این نسبت در میان دانشجویان علوم پایه و فنی مهندسی به نصف و کمتر کاهش می‌یابد. در مقابل حدود 60 درصد از دانشجویان فنی مهندسی از پایگاه بالا برخوردارند. در واقع دانشجویان علوم انسانی نسبت به دو حوزه علمی دیگر دارای خاستگاه اجتماعی - اقتصادی ضعیف‌تری هستند.

ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر: پایگاه پاسخگویان با گرایش آن‌ها به ادامه تحصیل ارتباط ندارد، احتمالاً می‌توان گفت گرایش به ادامه تحصیل برای اکثر افراد صرف‌نظر از پیشینه اجتماعی - اقتصادی‌شان مطلوب است. اما پایگاه با محل مطلوب ادامه تحصیل مرتبط است. به این معنا که افراد دارای پایگاه بالا 20 درصد بیشتر از پاسخگویان متعلق به پایگاه پایین علاقه‌مند هستند که تحصیلات‌شان را در خارج از کشور ادامه دهند. احتمالاً تحت تأثیر محدودیت‌های اقتصادی گزینه تحصیل در خارج از کشور به‌طور آگاهانه یا

ناآگاهانه از فهرست اولویت‌های افراد در پایگاه پایین خارج می‌شود. نتایج یاد شده، بیانگر آن است که جایگاه افراد در ساختار جامعه بر عملکرد و اولویت‌های تحصیلی آن‌ها تأثیر می‌گذارد.

رابطه پایگاه با گرایش‌های اجتماعی - فرهنگی

از بین متغیرهای مختلف که می‌تواند بازنمای گرایش‌های اجتماعی - فرهنگی پاسخگویان باشد، در جدول 3 امور مربوط به تشکیل خانواده، نگرش‌های برابری طلبانه جنسیتی، دینداری و احساس تعلق به جامعه ملی بررسی خواهد شد.

سن ازدواج و معیار انتخاب همسر: ازدواج یکی از مهم‌ترین انتخاب‌های هر فرد است و از این رو می‌تواند بازنمای بخشی از گرایش‌های افراد باشد. به این منظور از دانشجویان در مورد سن مطلوب ازدواج و معیارهای ازدواج (معیارهای زیر تا چه حد برای شما اهمیت دارد) سؤال شد. پاسخ‌ها بر اساس یک طیف 5 قسمتی از خیلی زیاد تا خیلی کم دسته‌بندی شد.

جدول 3 - بررسی رابطه معیارهای مربوط به انتخاب همسر
با پایگاه خانواده (تعداد = 1522)

ضریب همبستگی	متغیرها
$r = 0/19^{***}$	سن مطلوب ازدواج
$T_c = 0/01$	تفاهم فکری
$T_c = 0/06$	زیبایی
$T_c = 0/05$	شهرت خانوادگی
$\text{Gamma} = 0/17^{***}$	ثروت
$T_c = 0/10^{***}$	تحصیلات
$T_c = -0/07$	دینداری

*** $p < 0/001$

ازدواج: میانگین سن مطلوب ازدواج در بین اعضاء متعلق به پایگاه بالا در مقایسه با افراد متعلق به دو پایگاه دیگر بیشتر است. پاسخگویان دارای پایگاه بالا با بالا بودن سن ازدواج بیشتر موافق هستند در حالی که از نظر اعضاء پایگاه پایین معیار سنتی پایین بودن سن ازدواج مطلوبیت بیشتری دارد.

از بین معیارهای مختلف انتخاب همسر اهمیت تفاهم فکری، زیبایی و شهرت خانوادگی در بین همه گروه‌ها به طور نسبی مشابه است و از این جهت تفاوت معناداری مشاهده نشده است. اما در مورد اهمیت تحصیلات، ثروت و دینداری تفاوت‌های قابل اعتنایی وجود دارد. به این معنا که اعضاء متعلق به پایگاه‌های بالا در انتخاب همسر به معیار تحصیلات و ثروت بیشتر و به معیار مذهبی بودن کمتر اهمیت می‌دهند. 76 درصد از اعضاء وابسته به پایگاه پایین به مذهبی بودن همسر در سطح زیاد اهمیت می‌دهند در حالی که این میزان در پایگاه متوسط 70 درصد و در پایگاه بالا 61 درصد است. در مقابل 83 درصد از پاسخگویان متعلق به پایگاه بالا در انتخاب همسر برای معیار تحصیلات اهمیت زیادی قایل هستند، این نسبت در پایگاه متوسط 70 درصد و در پایگاه پایین 65 درصد است. در مورد ثروت نیز افراد وابسته به پایگاه بالا بیش از پایگاه متوسط و آن‌ها نیز بیش از پایگاه پایین به میزان ثروت خانوادگی همسرشان اهمیت می‌دهند.

گرایش به برابری جنسیتی: در دوران معاصر نوع نگرش نسبت به نقش‌ها و تقسیم کار جنسیتی یکی از موضوعات مهم در مطالعه دگرگونی اجتماعی از نظام سنتی به مدرن است. به این دلیل به نظر می‌رسد بررسی گرایش دانشجویان نسبت به برابری جنسیتی بازنمای گرایش آنان به برخی اندیشه‌های جدید باشد (سراج‌زاده و جواهری 1385: 5). با لحاظ کردن این مبنا می‌توان گفت هرچه پاسخگویان به مجاز بودن زنان به انجام فعالیت‌های ورزشی و حضور در فضاهای جمعی، اشتغال، مشارکت سیاسی، قضاوت و پیشگام بودن آنان در امر ازدواج نظر موافق‌تری داشته باشند، در این صورت نسبت به برابری جنسیتی گرایش مثبت‌تری دارند.

جدول 4 - بررسی رابطه میان پایگاه و برابری گرای جنسیتی
(تعداد = 1522)

ضریب همبستگی	مؤلفه‌ها
Gamma = 0/237 ***	موافق حضور زنان در رشته‌های ورزشی
Tau c = 0/119 ***	موافق حضور زنان به عنوان تماشاچی در ورزشگاه
Tau c = 0/127 ***	موافق پخش مسابقات ورزشی زنان از تلویزیون
Gamma = 0/237 ***	موافق حضور زنان در عرصه سیاست
Gamma = 0/206 ***	موافق اشتغال زن بچه‌دار در خارج از خانه
Tau c = 0/08 ***	موافق خواستگاری زن از مرد
V = 0/102 ***	موافق قاضی شدن زنان
r = 0/236 ***	شاخص کل برابری گرای جنسیتی

*** p < 0/001

همان‌طور که اطلاعات جدول شماره 4 نشان می‌دهد پایگاه اجتماعی - اقتصادی با کلیه مؤلفه‌های برابری طلبی جنسیتی رابطه دارد. افرادی که در پایگاه بالاتر هستند، در مجموع نسبت به فعالیت‌های ورزشی متنوع زنان، حضور زنان تماشاچی در ورزشگاه، پخش مسابقات زنان از تلویزیون، نقش‌آفرینی سیاسی زن، اشتغال زن بچه‌دار در خارج از خانه، خواستگاری زن از مرد و در نهایت قاضی شدن زنان نظر موافق‌تری دارند. علاوه بر این، ارتباط میان پایگاه و شاخص کل برابری طلبی جنسیتی نیز معنادار و مستقیم است. نگرش قوی نسبت به حقوق زنان در بین اعضای پایگاه بالا 43 درصد است این نسبت در پایگاه پایین، 18 درصد است. این تفاوت ممکن است به این واقعیت مربوط باشد که رویکردهای نوگرایانه در بین افراد متعلق به پایگاه بالا بیشتر شایع است و احتمال این که آنان در ارتباط میان مردان و زنان دارای مواضع مساوات‌طلبانه باشند، بیشتر است. در مقابل، افراد متعلق به پایگاه پایین از این جهت بیشتر دارای رویکردی سنت‌گرایانه هستند.

گرایش به جامعه ملی: انتظار می‌رود هرچه گرایش به جامعه ملی قوی‌تر باشد، پابندی به ارزش‌ها و اهداف جامعه قوی‌تر باشد. گرایش به جامعه ملی با استفاده از دو گزینه افتخار به ایرانی بودن و آمادگی برای جنگیدن برای کشور که اولی به احساس تعلق عاطفی و دیگری به احساس تعهد و مسؤولیت در برابر جامعه اشاره دارد، بررسی شده است.

**جدول 5- بررسی رابطه پایگاه و گرایش به جامعه ملی
(تعداد = 1522)**

ضریب همبستگی	گرایش به جامعه ملی
Tau b = 0/01	احساس تعلق: افتخار به ایرانی بودن
Tau b = - 0/10 ***	احساس تعهد: آماده جنگیدن برای کشور

*** p < 0/001

جدول شماره 5 در بردارنده اطلاعات جالبی است. در ارتباط با مورد اول که احساس تعلق به جامعه ملی است و بیشتر جنبه عاطفی و احساسی دارد گرایش همه پایگاه‌ها مشابه است و از این حیث تفاوت معناداری میان آن‌ها وجود ندارد. اما در بعد دوم که بیشتر جنبه عینی دارد و لازمه یک نوع از خودگذشتگی عملی و واقعی است، نظرهای پاسخگویان متفاوت است. نسبت افرادی که آمادگی دارند برای حفظ تمامیت کشور خود بکنند، در پایگاه پایین 61 درصد است، این نسبت در پایگاه متوسط 10 درصد و در پایگاه بالا 14 درصد کمتر است. آمادگی بیشتر افراد دارای پایگاه پایین برای جنگیدن در راه کشور، ممکن است به دو شکل قابل توجیه باشد. ممکن است اعضای پایگاه پایین نگرش مثبت‌تری به نظام سیاسی کشور داشته باشند و از این جهت احساس تعلق آن‌ها به جامعه ملی بیشتر باشد. همچنین احتمال دارد آمادگی فزون‌تر این افراد برای جنگیدن به این معنا باشد که اقشار پایین به خاطر شرایط خاص زندگی‌شان، از جهت ذهنی و روانی آمادگی بیشتری برای خطرپذیری و مقابله با شرایط دشوار از جمله جنگ دارند.

گرایش‌های دینی: دین نقش به‌سزایی در شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی دارد و از این رهگذر بر جهت‌یابی افراد نسبت به امور مختلف تأثیر می‌گذارد. گرایش دینی پاسخگویان

در قالب چند معرف یعنی قرائت فرد نسبت به نوع مسلمانی‌اش، ابعاد چهارگانه دینداری، میزان دینداری والدین و احساس مثبت نسبت به مسلمان بودن، بررسی شده است.

جدول 6 - بررسی رابطه با گرایش‌های دینی
(تعداد = 1522)

ضریب همبستگی	گرایش‌های دینی
$V = 0/134^{***}$	نوع مسلمانی (انقلابی، شناسنامه‌ای، عادی، نواندیش)
$Tb = -0/029$	شاخص بعد اعتقاد دینی
$Tb = -0/155^{***}$	شاخص بعد رفتار دینی
$Tb = -0/148^{***}$	شاخص بعد پیامد دینی
$Tb = -0/133^{***}$	شاخص بعد تجربه دینی
$r = -0/195^{***}$	شاخص کل دینداری
$r = -0/117^{***}$	شاخص مذهبی بودن والدین
$Tc = 0/01$	افتخار به مسلمان بودن

*** $p < 0/001$

تعریف فرد از دینداری خود: از پاسخگویان سؤال شد که «به عنوان یک مسلمان خود را مصداق کدامیک از انواع مسلمان عادی، شناسنامه‌ای، انقلابی و ولایتی و نواندیش می‌شناسند». به نظر می‌رسد هریک از این اصطلاحات در بردارنده یک نظام معنایی خاص است که بر تصویری که فرد از خود به عنوان یک مسلمان دیندار دارد و همچنین بر جهت‌یابی‌های او تأثیر می‌گذارد. مسلمان نواندیش ضمن تعلق به تعالیم و اعتقادات دینی، دغدغه پیوند میان آموزه‌های دینی و ارزش‌های دنیای مدرن را دارد. مسلمان عادی حد متعارفی از التزام به اصول دینی را پوشش می‌دهد. مسلمان شناسنامه‌ای، واژه‌ای است که بر غیر انتخابی بودن یک دین و کمترین احساس تعلق نسبت به آن دلالت دارد. از بین چهار مؤلفه یاد شده، مقایسه پاسخ‌ها در بین مسلمان نواندیش و انقلابی در بردارنده اطلاعات

جالبی است. از بین افراد متعلق به پایگاه پایین، 22 درصد خود را مسلمان انقلابی می‌دانند، این نسبت در پایگاه متوسط 15 درصد و در پایگاه بالا 8 درصد است. منسوب کردن مسلمانی به صفت انقلابی و ولایتی، ملازم با یک نوع جهت‌گیری عقیدتی است. این شیوه دینداری با نوعی آرمان‌خواهی و گرایش به یک نظام سیاسی اجتماعی خاص مرتبط است. 24 درصد از افراد وابسته به پایگاه پایین، خود را مسلمان نواندیش می‌دانند در حالی که این نسبت در پایگاه متوسط 28 درصد و در پایگاه بالا 42 درصد است.

میزان دینداری: ابتدا دینداری پاسخگویان بر اساس حدود 35 سؤال در چهار بعد اعتقادی، مناسکی، تجربی و پیامدی مورد پرسش قرار گرفت، سپس از هریک از آن‌ها شاخص مستقلی ساخته شد و در خاتمه، با احتساب ضریب آلفا کرونباخ که میزان آن در حد 0/85 بود شاخص کل گرایش دینی به دست آمد. مقایسه شاخص مختلف حاکی از آن است که میزان باور به اصول اعتقادات دینی از چنان عمومیتی برخوردار است که از این حیث در پایگاه‌های مختلف تفاوتی مشاهده نمی‌شود. اما پاسخ‌های ارائه شده در ابعاد تجربه، مناسک، پیامد و همچنین شاخص کل دینداری بر اساس پایگاه افراد به طور معناداری متفاوت است. به این معنا که در همه موارد اعضاء متعلق به پایگاه پایین نسبت به پایگاه متوسط و آن‌ها نیز نسبت به پایگاه بالا گرایش‌های مذهبی قوی‌تری را ابراز نموده‌اند.

در بعد تجربه دینی افرادی که در پایگاه پایین‌تر قرار دارند 14 درصد بیش از اعضای پایگاه بالا، دارای تجربه دینی قوی هستند. در بعد مناسکی نیز التزام قوی به انجام فرائض دینی در پایگاه پایین 50 درصد است اما این نسبت در پایگاه بالا به نصف یعنی 26 درصد کاهش می‌یابد. به علاوه افراد متعلق به پایگاه پایین 27 درصد بیشتر از افراد متعلق به پایگاه بالا به بعد پیامدی دینداری ملتزم هستند.

توزیع درصدهای مربوط به شاخص کل دینداری در جدول شماره 6 نشان می‌دهد که میزان پایبندی دینی قوی در بین اقشار وابسته به پایگاه پایین بیشتر است. 85 درصد از افراد متعلق به پایگاه در سطح زیاد دیندار هستند این نسبت در پایگاه متوسط 76 درصد و در پایگاه بالا 64 درصد است. به طور کلی اطلاعات فوق بیانگر آن است که پایگاه اجتماعی - اقتصادی پاسخگویان با جهت‌یابی مذهبی آنان مرتبط است. به این معنا که در مجموع افراد وابسته به پایگاه پایین افرادی مذهبی‌تر هستند. لازم به توضیح است که تفاوت دینداری در

پایگاه‌های متفاوت ممکن است بیش از میزان دینداری به نوع و شیوه دینداری و نحوه سنجش آن در این تحقیق مربوط باشد. نوع شغل، منزلت شغلی، میزان تحصیلات که از مؤلفه‌های اصلی پایگاه اقتصادی - اجتماعی است، از طریق فراهم آوردن فرصت‌های جدید، بر شیوه زندگی، نوع ارتباطات، میزان دسترسی به اطلاعات و در مجموع در نگرش‌ها و رفتار افراد تغییراتی ایجاد می‌کند. از این‌رو الگوی دینداری اعضای وابسته به پایگاه‌های مختلف متفاوت است. برای مثال ممکن است اعضاء پایگاه پایین به خاطر حضور در فضاهای سنتی‌تر، بیشتر به مناسک جمعی توجه داشته باشند در مقابل در پایگاه بالا به شیوه‌های فردی‌تر مناسک دینی بیشتر توجه شود.

نتایج پژوهشی دیگر نشان داده که الگوی دینداری در اقشار مختلف متفاوت است. به این معنا که اعضاء قشر پایین دارای دین احساسی‌تر و پرشورتری هستند و به دلیل تجربه ناکامی‌های بیشتر دین آن‌ها کمتر این دنیایی و بیشتر قدسی و متعالی است. قشرهای پایین جامعه متمایل به نوعی توجیه الهی از رنج و آلام خویش هستند در حالی که طبقات بالا خوشبختی و بهره‌مندی‌های بیشتر خود را به کمک دین توجیه می‌کنند. الگوی رفتار طبقات متوسط نیز بیشتر به طبقات پایین نزدیک است (محمودی 1380).

رابطه پایگاه با گرایش‌های اقتصادی

مباحث این قسمت به بررسی دو نوع گرایش اقتصادی اختصاص یافته است. قسمت اول به گرایش پاسخگویان نسبت به اوضاع اقتصادی جامعه مربوط است، بخش دوم ناظر به اطلاعاتی است که بازتاب نگرش فرد به وضعیت اقتصادی شخصی خودش می‌باشد.

همان‌طور که اطلاعات جدول 7 نشان می‌دهد هیچ یک از سه متغیر نگرش نسبت به افزایش تورم، بیکاری و توسعه صنعتی کشور با پایگاه پاسخگویان ارتباط ندارند. این واقعیت حاکی از آن است که ارزیابی افراد از وضع آتی اقتصاد کشور از شرایط فعلی خود آن‌ها یعنی پایگاه اجتماعی - اقتصادی‌شان تأثیر نمی‌پذیرد. همچنین میان پایگاه افراد و اعتقاد به وجود شکاف درآمد و موضوع پرمناقشه سرمایه‌گذاری خارجی رابطه معناداری مشاهده نمی‌شود. این واقعیت ممکن است حاکی از آن باشد که همه دانشجویان صرفنظر از موقعیت طبقاتی خود درباره ارزیابی وضعیت اقتصاد جامعه نگرش مشابهی دارند.

جدول 7 - بررسی رابطه پایگاه با گرایش به وضعیت اقتصادی جامعه (تعداد = 1522)

ضریب همبستگی	نگرش به وضعیت اقتصادی جامعه
Gamma = -0/01	افزایش نرخ بیکاری در آینده
Gamma = 0/07	افزایش تورم اقتصادی در آینده
Tc = 0/08	رشد صنعت کشور در آینده
Tc = 0/06	وجود شکاف طبقاتی در درآمد
Tc = 0/03	موافق سرمایه‌گذاری خارجی

در قسمت بعد نظر پاسخگویان در مورد وضعیت اقتصادی خودشان مانند یافتن شغل مناسب، امکان قبول یک شغل غیرتخصصی، امکان مهاجرت، پیش‌بینی موضع طبقاتی خود در سال‌های آتی بررسی شده است. اطلاعات جدول 8 نشان می‌دهد که پایگاه پاسخگویان با تمام این عناصر مرتبط است.

جدول 8 - بررسی رابطه میان پایگاه و نگرش فرد نسبت به شرایط اقتصادی خود در آینده (تعداد = 1522)

ضرائب همبستگی	نظر فرد در مورد شرایط اقتصادی خود در آینده
Gamma = -0/134 ***	مدت زمان انتظار برای یافتن شغل مناسب (حدود 6 ماه، حدود 1 سال، بیش از 1 سال)
Gamma = -0/142 ***	امکان پذیرش شغل غیرقابل قبول (نمی‌پذیرم، شاید، می‌پذیرم)
Gamma = 0/155 ***	امکان اشتغال در خارج از کشور (مخالف، مشروط، موافق)
Tc = 0/125 ***	پیش‌بینی طبقه اقتصادی خود در 10 سال بعد (پایین، متوسط، بالا)

*** $p < 0/001$

مدت انتظار برای یافتن شغل مناسب: از دانشجویان سؤال شد که «احتمال می‌دهند پس از ادامه تحصیل طی چه مدت زمان بتوانند شغل مورد نظر خود را پیدا کنند؟». پاسخ‌ها در سه طبقه حدود 6 ماه، حدود یک سال و بیش از یک سال تنظیم شد. نتیجه به دست آمده حاکی از آن است که افراد دارای پایگاه‌های بالاتر پیش‌بینی می‌کنند سریع‌تر به شغل مورد نظر خود دست پیدا کنند. 50 درصد از اعضاء متعلق به پایگاه بالا تصور می‌کنند حداکثر ظرف مدت 6 ماه شغل مطلوب خود را می‌یابند. در حالی که پاسخگویان طبقه متوسط 40 درصد و در پایگاه پایین 28 درصد است. 52 درصد از اعضاء پایگاه پایین احتمال می‌دهند بیش از یکسال برای یافتن شغل مورد نظر خود در انتظار باشند. هرچند همه دانشجویان پس از فراغت از تحصیل مجهز به یک دانش تخصصی خواهند شد؛ اما تفاوت پاسخ‌ها نشان می‌دهد که برای به دست آوردن یک شغل مناسب فقط عامل تخصص و مهارت کفایت نمی‌کند، بلکه عواملی دیگری مانند دستیابی به منابع قدرت، سرمایه اقتصادی، نفوذ و اعتبار اجتماعی نیز نقش مؤثری دارند. احتمالاً به همین دلیل پاسخگویانی که از نظر سوابق خانوادگی در مواضع بالاتر هستند پیش‌بینی می‌کنند با سهولت بیشتر به فرصت‌های یاد شده نائل شوند.

پذیرش شغل غیرقابل قبول: به منظور تشخیص موضع‌گیری دانشجویان در برابر محدودیت یافتن شغل مناسب از آنان پرسش شد «چنانچه بعد از اتمام تحصیل، نتوانستید شغل مورد علاقه خود را بیابید، چقدر احتمال دارد شغلی را که برای شما قابل قبول نباشد بپذیرید؟». نتایج نشان می‌دهد احتمال پذیرش شغل غیرقابل قبول از پایگاه بالا به پایین سیر نزولی دارد این نسبت در پایگاه بالا 22 درصد، در پایگاه متوسط 20 درصد و در پایگاه پایین 16 درصد است.

امکان اشتغال در خارج از کشور: به طور کلی دانشجویان متعلق به پایگاه بالا (26 درصد) دو برابر دانشجویان متعلق به پایگاه پایین (12 درصد) برای مهاجرت شغلی آمادگی دارند. به طور کلی برای اشتغال در کشور دیگر غیر از مهارت و تخصص شرایط دیگری مانند اطلاع از فرصت‌های شغلی موجود در خارج، وجود یک حمایت‌کننده اقتصادی معتبر

در کشور مبدأ و مقصد و گاهی وجود اقوام و خویشاوندان ساکن در آن کشور لازم است. علاوه بر این، انگیزه پیشرفت، افراد را برای آزمون فرصت‌های ناشناخته در سرزمین‌های دیگر ترغیب می‌کند. از آن‌جا که افراد دارای پایگاه بالاتر به احتمال بیشتر از این دو ویژگی برخوردار هستند، از این‌رو گرایش نسبت به مهاجرت به خارج از کشور اقبال بیشتری نشان می‌دهند.⁵

پیش‌بینی طبقه خود در 10 سال آینده: دانشجویانی که از پایگاه بالاتری برخوردارند بیشتر احتمال می‌دهند که در آینده نیز به طبقات بالاتر ارتقا یابند. 36 درصد از افرادی که دارای پایگاه پایین هستند، اظهار کرده‌اند که در آینده به طبقه بالا راه خواهند یافت این نسبت در پایگاه متوسط 50 درصد و در پایگاه بالا 63 درصد است. در واقع افرادی که دارای خاستگاه خانوادگی پایین‌تری هستند، کمتر از دو گروه دیگر نسبت به وضعیت اقتصادی خود در آینده خوش‌بین هستند.

مقایسه نتایج دو جدول پیش حاکی از این واقعیت است که پایگاه پاسخگویان در گرایش آن‌ها نسبت به وضعیت اقتصادی جامعه تأثیر چندانی ندارد؛ اما پایگاه پاسخگویان در ارزیابی آن‌ها از شرایط اقتصادی زندگی خودشان تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد.

رابطه پایگاه با گرایش‌های سیاسی

مطالعه گرایش سیاسی دانشجویان از آن جهت که آن‌ها بیشتر تحت تأثیر محیط‌ها و پیام‌های روشنفکرانه هستند، حایز اهمیت است. بررسی گرایش سیاسی دانشجویان می‌تواند به شناسایی مطالبات آنان از جامعه کمک کند. گرایش سیاسی دانشجویان بر اساس میزان مدارای فکری با مخالفان، ارزیابی از عملکرد نهادهای حکومتی، مقبولیت نوع نظام سیاسی در جامعه ایران، رابطه با کشورهای خارجی، مشارکت سیاسی و ارزیابی از وضعیت نابسامانی اجتماعی سنجش شده است.

5 - برای اطلاع بیشتر در مورد سایر متغیرهای تأثیرگذار بر گرایش دانشجویان به مهاجرت به خارج از کشور مراجعه شود به جواهری و سراج زاده 1384.

جدول 9 - بررسی رابطه میان پایگاه با گرایش های سیاسی
(تعداد = 1522)

ضریب همبستگی	مؤلفه های گرایش سیاسی
$r = 0/19^{***}$	شاخص مدارای فکری با مخالفان
$r = -0/14^{***}$	شاخص ارزیابی از عملکرد نهادهای حکومتی
$V = 0/09^{**}$	نظام سیاسی مناسب برای ایران (دولت تحت نظارت دین، دولت تحت نظارت نمایندگان مردم، دولت تحت نظارت دین و مردم)
$V = 0/08^*$	اولویت گسترش رابطه با کشورهای جهان (کشورهای اسلامی، سوسیالیستی، توسعه یافته، جهان سوم، همسایه)
$Tc = 0/16^{***}$	مشارکت در اجتماعات سیاسی (کم، متوسط، زیاد)
$Tc = 0/18^{***}$	گرایش به نامزدهای انتخاباتی جناح های فکری (گروه های طرفدار آزادی و جامعه مدنی، گروه های طرفدار سازندگی اقتصادی، گروه های طرفدار اسلامیت نظام)
$r = -0/11^{***}$	پیش بینی نابسامانی اوضاع سیاسی جامعه در آینده (کم، متوسط، زیاد)

** $P < 0/01$ ، *** $P < 0/001$

مدارای فکری با مخالفان: منظور از مدارا یا تساهل وضعیتی است که به دیگری امکان می دهد به شیوه ای غیر از آن که ما قبول داریم بیندیشند و عمل کنند (ژاندرسون 1378: 19). گرایش دانشجویان نسبت به مدارای فکری با مخالفان با پرسش از ضرورت آزادی گروه های فکری متفاوت برای انجام فعالیت هایی مانند ابراز آزادانه دیدگاه های خود در تجمعات، تدریس در دانشگاه به عنوان استاد و انتشار دیدگاه های خود از طریق روزنامه و کتاب مورد سنجش قرار گرفت. نتایج به دست آمده، بیانگر آن است که افراد دارای پایگاه بالا در مقایسه با گروه های دیگر از مدارای فکری بیشتری برخوردار هستند و بیش از افراد دارای پایگاه پایین برای صاحبان افکار مختلف حق آزادی بیان قائل هستند. در پایگاه بالا 50 درصد از افراد در حد زیاد به مدارای فکری گرایش این نسبت در میان افراد دارای پایگاه پایین به نصف (26 درصد) تقلیل

می‌یابد. این واقعیت که افراد متعلق به پایگاه‌های بالاتر از میزان تساهل و مدارای بیشتری برخوردارند ممکن است به آشنایی آنان با اندیشه‌های نوگرایانه مرتبط باشد.

مشارکت سیاسی: یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد افراد متعلق به پایگاه پایین بیش از افراد متعلق به پایگاه بالا در اجتماعات سیاسی شرکت داشته‌اند. نسبت کسانی که در اجتماعات سیاسی اصلاً شرکت نداشته‌اند در پایگاه بالا 60 درصد و در پایگاه پایین حدود 34 درصد است. همچنین نسبت دانشجویان متعلق به پایگاه پایین که در حد زیاد در اجتماعات سیاسی شرکت داشته‌اند سه برابر دانشجویان متعلق به پایگاه بالا است. با توجه به این که عمده‌ترین مراسم و اجتماعات سیاسی در چهارچوب برنامه‌های رسمی نظام صورت می‌گیرد، می‌توان چنین استنباط نمود که نگرش مثبت‌تر افراد دارای پایگاه پایین به نظام جمهوری اسلامی باعث شده آنان مشارکت بیشتری در مراسم و اجتماعات سیاسی داشته باشند. یافته‌های تحقیق دیگری که بر یک نمونه دانشجویی متمرکز بوده رابطه مستقیم و معنادار میان پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالا با شاخص گرایش به فرهنگ سیاسی دموکراتیک، حمایت از دموکراسی، آمادگی و تمایل به مشارکت و مدارای سیاسی را تأیید می‌کند (حق خواه 1385).

گرایش به جناح‌های سیاسی: در زمان تحقیق جناح‌های سیاسی فعال به سه گروه عمده یعنی گروه‌های طرفدار آزادی و جامعه مدنی، گروه‌های طرفدار سازندگی اقتصادی، گروه‌های طرفدار اسلامیت نظام تقسیم شدند. اطلاعات تحقیق نشان می‌دهد پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانشجویان عامل مؤثری در تفاوت گرایش آن‌ها به سه جریان فکری است. 38 درصد از دانشجویان دارای پایگاه پایین به انتخاب نامزدهای منسوب به جریان اصلاح‌طلب گرایش دارند این نسبت در پایگاه متوسط 45 درصد و در پایگاه بالا 62 درصد است. در واقع تأکید بر اصل ولایت فقیه و اسلامیت نظام در پایگاه پایین و طرفداری از آزادی و جامعه مدنی در بین افراد متعلق به پایگاه بالا قوی‌تر است.

پیش‌بینی اوضاع سیاسی جامعه در آینده: میان پایگاه اجتماعی اقتصادی افراد و دیدگاه آنان نسبت به اوضاع سیاسی جامعه در آینده رابطه معناداری وجود دارد. به این معنا که نسبت افرادی که اوضاع سیاسی جامعه را در حد زیادی نابسامان می‌دانند، در پایگاه پایین 11 درصد

بیش از افراد متعلق به پایگاه بالا است. با وجودی که سایر اطلاعات این جدول نشان می‌دهد که افراد متعلق به پایگاه پایین تعلق بیشتری به نظام دارند اما نسبت به نابسامان بودن شرایط سیاسی بیشتر بیمناک هستند.

ارزیابی عملکرد نهادهای حکومتی: به‌طور کلی رابطه میان پایگاه و ارزیابی از عملکرد نهادهای حکومتی تأیید شده است. ارزیابی انتقادی از نهادهای حکومتی از پایگاه پایین به سوی پایگاه بالا دارای یک روند افزایشی است. در حالی که 38 درصد از دانشجویان دارای پایگاه پایین از عملکرد نهادهای حکومتی ناراضی بوده‌اند، نسبت ناراضی‌ها در بین افراد دارای پایگاه متوسط و بالا به ترتیب 50 و 66 درصد است. ناراضی‌تری بیشتر افراد دارای پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالا از نهادهای حکومتی ممکن است به دلیل تفاوت سطح انتظارات یا تفاوت دیدگاه سیاسی آنان باشد. افراد دارای پایگاه بالاتر از استانداردهای زندگی بالاتری برخوردارند، در نتیجه توقعات آن‌ها از نهادهای حکومتی بیشتر است و عدم تأمین این توقعات بیشتر موجب ناراضی‌تری آنان می‌شود. به علاوه، چنان که بیشتر ملاحظه شد این افراد در مقایسه با افراد دارای پایگاه پایین، نگرش سیاسی منفی‌تری نسبت به نظام جمهوری اسلامی دارند. این نگرش منفی ممکن است موجب شود آنان عملکرد نهادهای حکومتی را منفی‌تر ارزیابی نمایند.

روابط سیاسی با کشورهای دیگر: افراد دارای پایگاه اجتماعی پایین در مقایسه با افراد دارای پایگاه بالا به توسعه روابط سیاسی با کشورهای اسلامی گرایش بیشتری دارند. در حالی که در پایگاه پایین 42/5 درصد توسعه روابط با کشورهای اسلامی را در الویت اول قرار داده‌اند، در پایگاه بالا 29 درصد چنین نظری داشته‌اند. در مقابل افراد دارای پایگاه اجتماعی بالا به توسعه روابط با کشورهای توسعه یافته صنعتی علاقه بیشتری دارند و 58 درصد آن را در اولویت اول قرار داده‌اند. در حالی که 44 درصد از افراد پایگاه پایین برای این کشورها اولویت اول قائل شده‌اند.

شکل حکومت: بین افراد متعلق به پایگاه‌های مختلف از نظر گرایش به دولت تحت نظارت نهاد دین تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود ندارد. اما از نظر انتخاب دولت عمدتاً تحت کنترل نمایندگان مردم و یا دولت تحت کنترل همزمان نمایندگان مردم و نهاد دین، گرایش افراد دارای پایگاه بالاتر به گزینه اول 20 درصد بیش از گرایش افراد دارای پایگاه پایین‌تر است.

احتمالاً گرایش قوی‌تر افراد دارای پایگاه پایین به ارزش‌های سنتی و دینی باعث می‌شود که بیشتر به دولتی تمایل داشته باشند که ارزش‌های دینی و مدرن را تلفیق کند. در حالی که افشار بالا به دلیل گرایش‌های مدرن‌تر به دولت عمدتاً دموکراتیک تمایل بیشتری نشان می‌دهند.

6 - نتیجه‌گیری

نوشتار حاضر با تکیه بر یک رویکرد اکتشافی، به کندوکاو پیرامون این پرسش پرداخت که آیا گرایش‌ها و رفتار افراد (دانشجویان) متعلق به پایگاه‌های اجتماعی - اقتصادی مختلف با یکدیگر تفاوت دارد؟ این پرسش به این دلیل مطرح شد تا مشخص سازد که آیا جایگاه افراد در ساختار جامعه بر جهت‌گیری آن‌ها نسبت به پدیده‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد.

از مجموع 50 آزمون مختلف که رابطه پایگاه و برخی گرایش‌ها و رفتارها را بررسی نمود در 36 مورد یعنی 72 درصد از کل موارد تفاوت معناداری مشاهده شد. به‌رغم قبول این اصل که اعتقاد به جبرگرایی ساختاری در تبیین پدیده‌های اجتماعی امری ناموجه است؛ اما بر اساس اطلاعات موجود نمی‌توان از این واقعیت چشم‌پوشی کرد که جایگاه افراد در ساختار جامعه ایران در اغلب موارد به‌طور معناداری گرایش‌ها، ترجیحات و رفتار یا به عبارت دیگر منش آن‌ها را از یکدیگر متمایز می‌سازد.

اگر عقاید، ارزش‌ها و رفتار افراد وابسته به یک پایگاه مبنای تشابه آن‌ها با عده‌ای و تمایزشان از عده‌ای دیگر باشد، در این صورت می‌توان پایگاه اقتصادی - اجتماعی را یکی از عناصر سازنده هویت اجتماعی قلمداد نمود. این یافته مؤید این اندیشه است که برخلاف گذشته که بیشتر ویژگی‌های انتسابی تعیین‌کننده هویت انسان بود، امروز ویژگی‌های اکتسابی (تحصیلات، منزلت و درآمد) در شکل دادن به هویت انسان تأثیر بسزایی دارند.

اطلاعات تحقیق چلبی هم که برگرفته از یک نمونه 2021 نفره در 5 شهر ایران است، تأیید می‌کند که درآمد، سواد، قدرت شغلی و طبقه اجتماعی با برجستگی ابعاد نظام شخصیت رابطه دارد (چلبی 1381). به‌طور کلی یافته‌های ارائه شده را می‌توان به ترتیب زیر خلاصه نمود:

معدل دیپلم دانشجویان متعلق به پایگاه بالا در دوره آموزش متوسطه از دیگران بهتر بوده؛ هرچند که پس از ورود به دانشگاه تفاوت بین پایگاه‌های مختلف از نظر معدل کتبی آخرین ترم تحصیلی ناپدید می‌شود (عملکرد تحصیلی بهتر). پاسخگویان وابسته به پایگاه بالا بیشتر دارای دیپلم ریاضی هستند. به همین ترتیب در دانشگاه نیز افراد متعلق به پایگاه بالا بیشتر در رشته‌های

فنی مهندسی تحصیل می‌کنند. ادامه تحصیل در خارج از کشور برای این گروه از دانشجویان بیش از دانشجویان دیگر مطلوب است (میل به پیشرفت و بهره‌مندی از استانداردهای کیفی بالاتر). افراد متعلق به پایگاه بالا برای بالا بودن سن ازدواج بیشتر اهمیت قائل هستند (عدم توجه به معیارهای سنتی در انتخاب همسر)، افزون بر این آن‌ها در انتخاب همسر به دو معیار تحصیلات و ثروت (مادی‌گرایی) بیشتر توجه دارند. گرایش به برابری جنسیتی (مواضع فمینیستی) بین پاسخگویان متعلق به پایگاه بالا قوی‌تر است. هرچند پاسخگویان گروه‌های مختلف از نظر افتخار به ملیت خود مشابه یکدیگر هستند، اما افراد متعلق به پایگاه بالا نسبت به سایرین آمادگی کمتری برای از خودگذشتگی در راه کشور دارند (فردگرایی).

به‌طور کلی دانشجویان دارای خاستگاه اجتماعی اقتصادی بالا، خودشان و والدین‌شان از حیث پایبندی‌های دینی در مرتبه ضعیف‌تری قرار دارند و در انتخاب همسر نیز به دیندار بودن او کمتر اهمیت می‌دهند (عرفی شدن). پاسخگویان دارای پایگاه بالا بیش از سایرین دینداری خود را نواندیشانه تلقی کرده‌اند (نوگرا). افراد متعلق به پایگاه بالا احتمال می‌دهند زودتر کار مورد علاقه خود را پیدا کنند و کمتر حاضر هستند شغلی را که با انتظارات‌شان هماهنگی ندارد، بپذیرند (امید به آینده). در عین حال این افراد برای مهاجرت شغلی به خارج از کشور آمادگی بیشتری دارند (خطرپذیری و تمایل به تحرک اجتماعی) و به پیشرفت آتی خود دلگرم‌تر هستند (بلندپروازی). از جهت سیاسی نیز گرایش به تساهل و مدارای فکری با مخالفان و همچنین طرفداری از گروه‌های سیاسی اصلاح طلب در بین اعضای پایگاه بالا بیشتر مشاهده می‌شود (دموکراسی خواهی) و در نهایت آن‌ها بیش از دو گروه دیگر احساس می‌کنند جامعه دچار نابسامانی است (نگرش انتقادی). اطلاعات یاد شده بر این واقعیت دلالت دارد که گرایش‌های افراد متعلق به پایگاه بالا با ساز و کارهای دنیای مدرن ملازمت بیشتری دارد.

دانشجویان متعلق به پایگاه پایین در مقایسه با دو گروه دیگر معدل دیپلم‌شان ضعیف‌تر است، نسبت بیشتری از آن‌ها دارای دیپلم علوم انسانی هستند و برای ورود به دانشگاه تعداد دفعات بیشتری آزمون داده‌اند (عملکرد تحصیلی ضعیف‌تر). این دانشجویان به ادامه تحصیل در خارج از کشور کمتر علاقه‌مند هستند. با وجودی که در مقایسه با دو گروه دیگر افراد متعلق به پایگاه پایین کمتر احتمال می‌دهند که طی مدت زمان کوتاهی بتوانند شغل مورد علاقه خود را پیدا کنند (ضعیف بودن امید به آینده) و بیشتر حاضر هستند شغلی را که با انتظارات‌شان هماهنگ نیست، بپذیرند؛ اما تمایل چندانی به جست و جوی کار در خارج از کشور ندارند (ضعیف بودن انگیزه پیشرفت).

در بین افراد متعلق به پایگاه پایین، جوان بودن همسر مطلوبیت بیشتری دارد (اولویت ارزش‌های سنتی). آن‌ها بیش از پاسخگویان دو گروه دیگر در انتخاب همسر به دیندار بودن او اهمیت می‌دهند. به علاوه دانشجویان دارای خاستگاه اجتماعی - اقتصادی پایین خودشان و والدین‌شان دارای پابندی دینی قوی‌تری هستند (دین‌گرایی) و در مقایسه با دو گروه دیگر تعداد بیشتری از آن‌ها خود را به عنوان مسلمان ولایتی و انقلابی معرفی نموده‌اند (ایدئولوژی‌گرایی). این دانشجویان نسبت به دو گروه دیگر، کمتر موافق برابری جنسیتی هستند (طرفدار تقسیم سنتی نقش‌های جنسیتی).

تعداد قابل ملاحظه‌ای از پاسخگویان این گروه، نظام سیاسی مناسب برای ایران را دولت تحت کنترل نمایندگان مردم و علمای دین می‌دانند و بر همین اساس از نظر آنان در مورد گسترش رابطه ایران با کشورهای مختلف، ارتباط با کشورهای اسلامی در اولویت است. این افراد نسبت به تساهل با مخالفان سیاسی کمتر گرایش دارند (مخالف تکثرگرایی). در مجموع افراد در پایگاه پایین بیش از سایرین از عملکرد نهادهای حکومتی و در نهایت نظام سیاسی رضایت دارند (مشروعیت نظام سیاسی موجود) و برای از خودگذشتگی در راه کشور آمادگی بیشتری دارند (جمع‌گرایی).

دانشجویان دارای پایگاه پایین کمتر از دو گروه دیگر نسبت به تحرک بین نسلی (Intergenerational mobility) یعنی حرکت به طرف بالای نسل خود نسبت به نسل قبل (رابرتسون 1372: 210) امیدوار هستند (نامید نسبت به آینده).

نکته شایان توجه دیگر، وضعیت افراد در پایگاه متوسط است. اطلاعات این مقاله نشان می‌دهد که در اکثر موارد جهت‌یابی و گرایش افراد عضو پایگاه متوسط در حد میان دو گروه بالا و پایین قرار دارد. به این معنا که سوی‌گیری آن‌ها گاهی با اعضای پایگاه بالا هماهنگ است و گاهی با پایگاه پایین مشابه است.

برای ارائه یک صورتبندی نظری در مورد پیامدهای قشربندی اجتماعی در جامعه ایران، وجود پیشنهادها و پیشنهادهای مختلف ضروری است. اما با رعایت احتیاط تنها می‌توان اظهار نمود که هر چند تفاوت‌های گرایشی پایگاه‌های مختلف در نمونه تحقیق شکل تکوین یافته یک خرده فرهنگ تلقی نمی‌شود، اما به گفته بوردیو می‌توان آن را زمینه‌ساز تکوین یک عادت‌واره مشترک (جمشیدی‌ها و پرستش 1386) دانست.

در منابع جامعه‌شناسی، ویژگی‌هایی مانند عرفی شدن، تأکید بر نقش عاملیت انسان، برابری‌گرایی جنسیتی، سودگرایی و دنیاگرایی، فردگرایی، بلندپروازی و میل به پیشرفت،

مدارای فکری و تکثرگرایی، دموکراسی‌خواهی، جهت‌گیری‌های سیاسی اصلاح‌طلبانه اغلب ملازم نوگرایی دانسته شده است (مراجعه شود به اینگلهارت 1373، گیدنز 1380، چلی 1375، همچنین Connolly 1984; Smelser 1988; Armer & Katsillis 1992).

چنانچه این صورت‌بندی درباره نوگرایی معتبر باشد، در این صورت می‌توان گفت افرادی که دارای خاستگاه خانوادگی (پایگاه) بالاتری هستند در مقایسه با دو گروه دیگر رغبت بیشتری به گرایش‌های نوگرایانه دارند. این افراد به خاطر بهره‌مندی بیشتر از سرمایه مادی، فرهنگی و اجتماعی با سهولت بیشتر با انواعی از شبکه‌های اجتماعی داخلی و خارجی ارتباطات برقرار می‌کنند و بنابراین بیشتر و زودتر با عناصر اندیشه مدرن آشنا می‌شوند و به خاطر روانشناسی و منش خاص‌شان بیشتر این عناصر را جذب می‌کنند. از آن‌جا که برخورداری از منابع بیشتر با یک نوع مقبولیت اجتماعی همراه است اعضاء این رده اجتماعی برای برخی از مردم یک الگو یا مرجع مهم به حساب می‌آیند. بنابراین اعضاء دارای پایگاه بالا در میدان تعامل اجتماعی از منابع بیشتری جهت نفوذ و تأثیرگذاری بر دیگران برخوردار هستند.

نکته دیگر وضعیت بینابین افراد دارای پایگاه متوسط است. در ایران جمعیت افراد متعلق به پایگاه متوسط نسبت به جمعیت دو پایگاه دیگر بیشتر است و با عنایت به گسترش شهرنشینی، رشد تحصیلات دانشگاهی، دانش محور شدن مشاغل، دسترسی بیشتر به تکنولوژی‌های ارتباطی - اطلاعاتی، افزایش آگاهی‌های عمومی و در نهایت بهبود حقوق شهروندی این احتمال وجود دارد که به تدریج جمعیت پایگاه متوسط گسترش پیدا کند. از طرف دیگر این مهم که جهت‌یابی پاسخگویان پایگاه متوسط در اغلب موارد در حد میان‌گرایش افراد متعلق به پایگاه بالا و پایین قرار دارد، ممکن است نشانه وضعیت در حال گذار این رده اجتماعی و تمایل آن‌ها به انتخاب الگوهایی که در بردارنده ترکیبی از عناصر سنتی و مدرن است، باشد. در این صورت با رشد پایگاه متوسط انتظار می‌رود آینده فرهنگی - اجتماعی ایران به سوی یک الگوی تلفیقی که آمیزه‌ای از عناصر سنتی و مدرن است، به پیش خواهد رفت.

در خاتمه شایان ذکر است که اگر پایگاه‌های مختلف از این توانایی برخوردار باشند که گرایش‌های فکری و سوی‌گیری رفتاری مختلفی ایجاد کنند، بنابراین به میزانی که عدالت در توزیع منابع ارزشمند در میان طبقات و پایگاه‌های مختلف کاهش یابد، شدت تمایز اجتماعی افزایش می‌یابد. این فاصله اجتماعی ممکن است به تدریج مبنای کاهش تعامل و درک مشترک اعضای جامعه و حتی زمینه‌ساز تعارض اجتماعی شود.

منابع

- اباذری، یوسف و چاوشیان، حسن. 1381. "از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی". *مجله نامه علوم/اجتماعی*. شماره پیاپی 20.
- اینگلهارت، رونالد. 1373. *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*. ترجمه مریم وتر. تهران: انتشارات کویر.
- باتامور تی. بی. 1367. *طبقات اجتماعی در جوامع مدرن*. ترجمه اکبر مجدالدین. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- تامین، ملوین. 1379. *جامعه‌شناسی و نابرابری‌های اجتماعی نظری و کاربردی*. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: توتیا.
- جمشیدیه‌ها، غلامرضا و پرستش، شهرام. 1386. "دیالکتیک منش و میدان در نظریه عمل پی‌یر بوردیو". *نامه علوم/اجتماعی*. شماره پیاپی 30.
- جواهری، فاطمه و سراج‌زاده، سیدحسین. 1384. "جلای وطن: بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به مهاجرت به خارج از کشور". *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم*، ویژه‌نامه *علوم/اجتماعی (2)*. سال سیزدهم، شماره 51 - 50.
- رابرتسون، یان. 1372. *درآمدی بر جامعه با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی ستیز و کنش متقابل نمادی*. ترجمه حسین بهروان. مشهد: آستان قدس رضوی.
- رجب‌زاده، احمد. 1381. *رفتارهای فرهنگی ایرانیان*. تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ریزن، لئوناردو و ماریانو اف، انگویتا. 1383. *جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی کلاسیک - مدرن*. ترجمه و تألیف محمد قلی‌پور. مشهد: مرنديز: آوای کلک.
- ژاندرن ژولی، سادا. 1378. *تساهل در تاریخ اندیشه غرب*. ترجمه عباس باقری. تهران: نشرنی.
- چلی، مسعود. 1375. *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*. تهران: نشرنی.
- چلی، مسعود. 1381. *بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران*. تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- حق‌خواه، مژگان. 1385. *بررسی فرهنگ سیاسی دموکراتیک و عوامل مؤثر بر آن در دانشگاه تربیت معلم تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. تهران: دانشگاه تربیت معلم.

- سراج‌زاده سیدحسین و جواهری، فاطمه. 1385. "برابری گرای جنسیتی در میان دانشجویان و متغیرهای زمینه‌ای و نگرشی مرتبط با آن". *مجله جامعه‌شناسی ایران*. دوره دوم، شماره 2.
- کمالی، علی. 1379. *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی نابرابری‌های اجتماعی*. تهران: انتشارات سمت.
- لیپست سیمور مارتین، رابرت دبلیو. هاج، پل ام سیاگل، آرتور ل. سینچکام و هیمن رادمن. 1381. *جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی*. ترجمه جواد افشار کهن. تهران: نشر نیکا.
- محسنی، منوچهر. 1379. *بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی فرهنگی در تهران*. تهران: انتشارات زهد.
- محمودی، مهری. 1380. "رابطه قشربندی اجتماعی و گرایش‌ها و رفتارهای دینی در تهران". *نامه پژوهش*. شماره 21 - 20.
- نائی، هوشنگ و عبداللهمیان، حمید. 1381. "تبیین قشربندی اجتماعی". *مجله نامه علوم اجتماعی*. شماره پیاپی 20.

Argyle, Michael. 1994. *The Psychology of Social Class*. Great Britain: Routledge.

Armer, Michael J. and Katsillis, John. 1992. *Modernization Theory* in Borgatta Edgar F. and Borgatta Marie. *Encyclopedia of Sociology*. Vol.3, USA: Mc Millan.

Borgatta, Edgar F. & Montgomery, Rhonda J.V. 2000. *Encyclopedia of Sociology*. USA: Mc Millan.

Biddle, Bruce J. 2001. *Poverty, Social Class and Education, Policy and Practice*. United States of America: Routledge Falmer.

Heller, Celia S. 1969. "A Reader in Comparative Social Stratification". *Structural Social Inequality*. United States of America: Mac Millan Company.

Sabini, John. 1995. *Social Psychology*. United States of America: W. W. Norton & Company Ltd.

Smelser, Neil J. 1988. *The Sociology of Economic Life*. Prentice Hall of India, New Delhi.